

Ghulat of the time of Imam Hasan Askari and notice of a mistake

Yadollah Hajizadeh,¹

(DOI): [10.22034/skh.2023.14702.1361](https://doi.org/10.22034/skh.2023.14702.1361)

Abstract

Original Article

P 49 -70

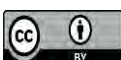
Acquaintance with the deviant flow of exaggeration (Gholow) during the Imamate of Imam Hasan Askari, while it sheds some light on the atmosphere of his time, can also be effective in clarifying the way imams deal with dangerous deviations such as exaggeration. The question that is raised here is as follows: Can anyone be introduced as Ghali during the time of Imam Hasan Askari? If the answer is positive, has there been an encounter between Imam and Ghulat? Analyzing the above topic with a descriptive and analytical method shows that, contrary to the assumptions of some writers and researchers, many of those who were introduced as the Ghulat of the time of Imam Hassan Askari, are actually the Ghulat of the time of Imam Hadi. This mistake happened because the title in "Ikhtiyar Ma'rafah al-Rijal" or "Rajal al-Kashi" as "Ghulat in the time of Imam Hasan Askari" is a wrong title and originally this title should be "Ghulat in the time of Imam Hadi". Of course, this does not mean that during the period of Imam Hasan Askari, there were no Ghalis. In this period, except for the Ghulat, whose exaggeration (Gholow) started from the period of Imam Hadi and even from the time of Imam Javad and sometimes continued until the period of minor occultation (Gheibat Suqra), we see the presence of some believers in Tafwiz in some areas, and there are few narrations about the encounter of Imam Hassan Askari with them.

Keywords: Imam Hasan Askari, Gholow, Ikhtiyar Ma'rafah al-Rijal, Ghulat Mofawezi, Imam Hadi.

1. Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.

y.hajizadeh@isca.ac.ir.

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

غالیان زمان امام حسن عسکری (ع) و تذکر یک اشتباه

یدالله حاجی زاده^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2023.14702.1361](https://doi.org/10.22034/skh.2023.14702.1361)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۷۰/۴۹

آشنایی با جریان انحرافی غلو در عصر امامت امام حسن عسکری (ع)، ضمن این که تا حدودی روشن گر فضای حاکم بر زمانه آن حضرت است، می تواند در روشن تر شدن نوع برخورد امامان معصوم (ع) با انحراف خطرناکی چون غلو نیز موثر باشد. سوالی که در این جا مطرح است چنین است: آیا در زمانه امام حسن عسکری (ع) کسی را می توان به عنوان غالی معرفی کرد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا برخوردی از ناحیه امام (ع) با غالیان صورت گرفته است؟ واکاوی موضوع فوق با روش وصفی و تحلیلی، نشان می دهد برخلاف گمانه برخی از نویسندگان و پژوهش گران، بسیاری از کسانی که به عنوان غالیان زمان امام حسن عسکری (ع) معرفی شده اند، در اصل از غالیان زمان امام هادی (ع) هستند. این اشتباه بدان جهت روی داده که عنوانی که در «اختیار معرفة الرجال» یا همان رجال کشی با عنوان «غالیان زمان امام حسن عسکری (ع)» آمده، عنوانی اشتباه است و در اصل این عنوان می بایست «غالیان زمان امام هادی (ع)» باشد. البته این به این معنا نیست که در دوره امام حسن عسکری (ع) هیچ غالی وجود نداشته است. در این دوره به جز غالیانی که غلو آنان از دوره امام هادی (ع) و حتی از زمان امام جواد (ع) آغاز شده و گاه تا دوره غیبت صغری نیز ادامه یافته، شاهد حضور برخی از باورمندان به تفویض در برخی از مناطق هستیم و روایات اندکی از مواجهه امام حسن عسکری (ع) با آنان در دست است.

واژگان کلیدی: امام حسن عسکری (ع)، غلو، اختیار معرفة الرجال، غالیان مفوضی، امام هادی (ع).

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. y.hajizadeh@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲



مقدمه

امامان شیعه (ع) به عنوان هدایت‌گران جامعه، همواره تلاش می‌کردند با انحرافات برخورد کرده و پیروان خویش را به مسیر هدایت رهنمون شوند. جریان فکری غلو در کنار جریان‌های منحرف دیگری چون واقفیه، زیدیه، معتزله، اهل حدیث، متصوفه و... از جریان‌های منحرف و آسیب‌رسان دوران ائمه ابناء الرضا (ع) به شمار می‌رود. این جریان فکری در قالب فرقه‌ها و افراد غالی در طول دوران ائمه (ع) همواره و با شدت و ضعف تداوم یافته است. در رجال کشی ذیل عنوان «غالیان زمان امام حسن عسکری (ع)» از غالیانی چون علی بن حسکه، قاسم بن یقظین، فارس بن حاتم، حسین بن علی خواتیمی، ابن بابای قمی، محمد بن نصیر نمیری و کسانی دیگر نام برده شده است. سوالی که در این جا مطرح است این است که آیا این افراد از غالیان زمان حیات امام حسن عسکری (ع) هستند؟ اگر ثابت شود که برخی از این افراد از غالیان زمان امام هادی (ع) بوده‌اند، باز این سوال مطرح است که آیا کسی را می‌توان به عنوان غالی زمان امام حسن عسکری (ع) معرفی کرد؟ و در نهایت اگر اثبات شود غالیانی در این دوره بوده‌اند، آیا روایت یا روایاتی از برخورد امام (ع) با آنان نقل شده است؟ فرضیه‌ای که این نوشته بر آن تاکید دارد چنین است: به سبب اشتباهی که در کتاب اختیار معرفة الرجال صورت گرفته، برخی از کسانی که توسط نویسندگان به عنوان غالیان این دوره معرفی شده‌اند و ادعا شده روایاتی از امام حسن عسکری (ع) در برخورد با آنان بیان شده، از غالیان زمان امام هادی (ع) هستند و آن روایات هم روایات صدور یافته از امام هادی (ع) است.

پیش از این در مقاله یا کتابی به طور مستقل، غالیان زمان امام حسن عسکری (ع) و چگونگی مواجهه آن حضرت با آنان به تصویر کشیده نشده است. در مقاله «تحلیلی بر فرقه‌های عصر امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) در تقابل با جریان‌های انحرافی» که به قلم حسین رحمانی و نگارنده این سطور، به نگارش درآمده، ضمن معرفی فرقه‌های زمان این دو امام، به غالیان نیز اشاره شده و نوع مواجهه این دو امام با غالیان نیز به اختصار بیان گردیده است (حاجی‌زاده و رحمانی، ۱۳۹۰: ص ۲۹۰-۲۹۳). در مقاله دیگری با عنوان «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین (علیهما السلام) با فرق مذاهب و جریان‌های فکری معاصر آنان» که به قلم ریحانه کریم‌زاده و رضیه سادات سجادی نگارش یافته، در صفحاتی محدود (سه صفحه) غالیان زمان عسکریین (علیهما السلام) معرفی شده و مواجهه این دو امام با آنان به اختصار آمده است. (کریم‌زاده و سجادی، ۱۳۹۴: ص ۷۵-۹۷).

مجید احمدی کچایی و روح الله ترابی میبیدی در مقاله‌ای با عنوان «رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری (ع) در تقابل با جریان‌های انحرافی»، منحرفان این دوره را شامل غالیان، واقفیه،

متصوفه، اشاعره، معتزله، جبریه و مفوضه دانسته‌اند. در این تحقیق افرادی چون حسن بن محمد بن بابای قمی، علی بن حسکه، قاسم بن یقطين، احمد بن محمد سیاری از غالیان زمام امام عسکری(ع) معرفی شده‌اند و نوع برخورد امام عسکری(ع) با آنان بیان شده است (احمدی کچایی و ترابی میبدی، ۱۳۹۳: ص ۳۰-۴۰). هرچند تمرکز این مقاله بر غالیان این دوره نبوده، از این رو به صورت گذرا غالیان این دوره و نوع برخورد امام(ع) با آنان را بیان کرده است. ضمن اینکه در این مقاله - و البته در برخی دیگر از نوشته‌هایی که نامی از غلات این دوره آمده - به اشتباه برخی از غالیان زمان امام هادی(ع) به عنوان غالیان زمان امام عسکری(ع) معرفی شده‌اند.

در مقاله «امام حسن عسکری(ع) در مواجهه با چالش‌های عصر امامت» که به قلم حسین قاضی‌خانی نوشته شده، غالیان نیز به عنوان یکی از چالش‌ها معرفی شده و به صورت گذرا (دو صفحه) مواجهه امام با آنان بیان شده است (قاضی‌خانی، ۱۴۰۰: ص ۶۵-۸۱). در کتاب‌هایی هم که در خصوص زندگی امام حسن عسکری(ع) به نگارش درآمده، بحث غالیان به صورت خیلی خلاصه مورد توجه بوده است.

بازتبیین مفهوم غلات و مفوضه

غلو از ماده «غ ل و» بر وزن فُعُول، مصدر غَلِيَ یَغْلُو، در لغت به معنای ارتفاع، افراط، بالا رفتن و تجاوز از حد و مقدار و زیاده‌گویی و زیاده‌انگاری است (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۲۶۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ص ۴۴۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵: ص ۱۳۱-۱۳۲). واژه غلات نیز جمع غالی است و این واژه در تعریف اصطلاحی‌اش در مورد کسانی به کار می‌رود که پیامبران، امامان و رهبران خویش را از حدود بندگان و آفریدگان الهی فراتر برده و آنان را متصف به صفات الهی دانسته‌اند. «در اصطلاح علمای شیعه، غالی به کسانی اطلاق می‌شود که درباره رسول خدا(ص) و امامان خود راه غلو و افراط را پیموده و آنان را از حدود و مقام حقیقی خود خارج ساخته و به مرحله خدایی رسانیده‌اند» (جعفری، ۱۳۸۱، ج ۴: ص ۲۷۷). شیخ مفید(م ۴۱۳) می‌نویسد: «غلات از متظاهرين به اسلام هستند که به علی(ع) و امامان دیگر از نسل آن حضرت، نسبت خدایی و پیامبری می‌دهند و آنان را به چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که در آن از اندازه بیرون رفتند.» (مفید، ۱۴۱۴: ص ۱۳۱). شیخ مفید در این تعریف نسبت خدایی و نبوت به امامان(ع) هم چنین بیان فضایی غالیانه در حق ایشان را غلو دانسته است.

مفوضه نیز در زمره غالیان هستند. واژه «تفویض» در لغت به معنای رد کردن، واگذار کردن، (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳: ص ۴۷۸؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ص ۱۰۹۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۳:

ص ۱۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۷: ص ۲۱۰) تسلیم کردن، (تهانوی، بی تا، ج ۲: ص ۱۶۱۸) ارجاع دادن و برگرداندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۳: ص ۱۰۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ص ۲۲۳) است. تفویض در اصطلاح، واگذاری امر خلق، رزق و تدبیر جهان به پیامبر اکرم (ص) یا ائمه (ع) است. به کسانی که چنین گمانه‌ای در سر داشتند، مفوضه اطلاق شده است. امام رضا (ع) در روایتی به تعریف تفویض اشاره دارد. حضرت می‌فرماید: هر کس گمان کند خداوند امر خلق و رزق را به حجت‌های خویش واگذار کرده است؛ قائل به تفویض شده است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۱۱۴؛ فتال نیشابوری، ۱۴۲۳: ص ۳۸) شیخ صدوق (م ۳۸۱) و شیخ مفید (م ۴۱۳). در بسیاری از موارد، مفوضه را در کنار غالیان ذکر کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۴: ص ۹۷؛ صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲: ص ۵۲۸ - ۵۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۱۱؛ مفید، ۱۴۱۴: ص ۱۳۳).

ائمه اطهار (ع) همواره با عقیده غالیانه مفوضه مخالفت کرده‌اند و این باور را مخالف با آیات قرآن و روایات رسول خدا (ص) دانسته‌اند. امام صادق (ع) در روایتی کسانی که گمان کرده‌اند خداوند کار آفرینش و رزق و روزی را به حجت‌های خویش واگذار کرده، مشرک خواند و از آنها برائت جست. (صدوق، ۱۴۱۴: ص ۱۰۰) سایر پیشوایان دینی نیز این باور انحرافی را نادرست شمرده‌اند (رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴۱؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۲؛ صدوق، ۱۴۱۴، ص ۹۹). غالیان از خطرناک‌ترین و زیانبارترین جریان‌های انحرافی درون شیعی هستند که در تخریب شخصیت و جایگاه ائمه (ع) و شیعیان و به انزوا کشاندن مکتب اهل بیت (ع) نقش اساسی داشته‌اند. «این جریان علاوه بر آن که توانست بخش بزرگی از نیروی فکری و فرهنگی شیعه را به خود مشغول سازد و میزان بهره‌برداری آنان را از جامعه، برای معرفی معارف شیعه و اسلام کاهش دهد، توانست شماری از نیروهای شیعی را در درون خود فرو برد» (صفری فروشانی، ۱۳۸۲: ص ۶).

فضای سیاسی - اجتماعی زمان امام حسن عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۳۲ هجری در مدینه تولد یافت و در سن ۲۸ سالگی، در سال ۲۶۰ هجری در سامرا به شهادت رسید و همانجا به خاک سپرده شد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۵۰۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ص ۳۱۳). کنیه آن حضرت «ابومحمد» است و از القاب ایشان به هادی، صامت، سراج، عسکری، رفیق، زکی، مرضی، رضی (رضا) و خالص می‌توان اشاره کرد (ابن صوفی نسابه، ۱۴۲۲: ص ۳۲۵؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ص ۱۰۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲: ص ۱۳۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ص ۴۵۷؛ موصلی، ۱۴۲۲: ص ۱۵۳؛ ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲، ج ۲: ص ۱۰۸۰). آن حضرت، پدر و جدش موسوم به «ابناء الرضا (ع)» هستند (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۱؛ ابن شهر

آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ص ۴۵۷؛ ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲، ج ۲: ص ۱۰۸۰). دوران امامت امام عسکری (ع) که از سال ۲۵۴ هجری تا سال ۲۶۰ هجری ادامه داشته، به نسبت کوتاه بوده است. حاکمیت سیاسی در این دوره در اختیار عباسیان (حک: ۱۳۲-۲۵۶ ق.) است و امام حسن عسکری (ع) با چند تن از حاکمان عباسی یعنی معتز (حک: ۲۵۲-۲۵۵ ق.)، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ ق.) و معتمد (حک: ۲۵۶-۲۷۹ ق.) هم عصر بوده است (مسعودی، بی تا: ص ۳۱۶-۳۱۹). حاکمیت عباسی هر چند در این دوره با قیام‌هایی در مناطق مختلف مواجه بود (رک: طبری، ۱۳۸۷، ج ۹: ص ۴۷۲؛ مسعودی، بی تا: ص ۳۱۹) و به علت نفوذ ترکان تا حدودی در دوران ضعف خویش به سر می‌برد، اما از امامان شیعیان - به جهت خطری که از ناحیه ایشان احساس می‌کرد - غافل نبود و آن حضرت را همانند امام هادی (ع) در سامرا در محاصره خویش داشت. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸: ص ۵۶) به همین جهت در این دوره ارتباط شیعیان با امام (ع) بسیار دشوار بوده است. از سویی پس از شهادت امام هادی (ع) هر چند عموم شیعیان آن حضرت، امامت امام حسن عسکری (ع) را پذیرفته بودند، (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ص ۱۱۲) اما شیعیانی هم بودند که امامت فرزندان ایشان محمد که در دوران حیات امام درگذشته بود را پذیرفته و تبلیغ می‌کردند. اینان که با عنوان فرقه «محمدیه» یاد شده‌اند، مدعی غیبت و مهدویت محمد بودند (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۴؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۱۰۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۹۸). عده معدودی نیز امامت جعفر فرزند دیگر امام هادی (ع) مشهور به جعفر کذاب را پذیرفته بودند (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۵؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۱۰۱). از کسانی که امامت جعفر را تبلیغ می‌کرد به خواهر غالی مشهور زمان امام هادی (ع) فارس بن حاتم قزوینی می‌توان اشاره کرد. وی شایع کرد که امام هادی (ع) جعفر را پس از خود به امامت برگزیده است نه حسن را! (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۹) این امر علاوه بر این که از تأثیرات جریان انحرافی غلو حکایت دارد، نشان دهنده سوء استفاده این جریان منحرف از فضای خاص حاکم بر این دوره است.

به جهت شرایط ویژه سیاسی حاکم بر این دوره و وضعیت خاصی که جریان امامت شیعی - به جهت نزدیک شدن به دوره غیبت صغری امام زمان (ع) - طی می‌کرد، امام حسن عسکری (ع) ضمن اینکه خود وکلایی در مناطق مختلف داشت که مخفیانه با آن حضرت در ارتباط بودند، (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۵۱۳) در پی آن بود وکلایی نیز جهت نیابت فرزند خویش تربیت کند که بتوانند پس از شهادت ایشان، امور سازمان وکالت را سر و سامان دهند. از سوی دیگر اهمیت یافتن شبکه وکلاء در این دوره و محاصره شدید امام در مرکز خلافت، سبب سوء استفاده برخی از باران آن

حضرت شده است. برخی از وکلای دروغین در این دوره و به خصوص در دوره غیبت صغری، باورهای غالیانه‌ای داشتند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۷، ۳۹۹؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ص ۴۷۴) و سبب رواج هر چه بیشتر این جریان انحرافی در این دوره شده‌اند.

تذکر یک اشتباه

در کتاب رجال کشی که شیخ طوسی آن را تهذیب کرده و عنوان «اختیار معرفة الرجال» را برای آن برگزیده، عنوانی آمده که همین عنوان، سبب اشتباه برخی از نویسندگان در خصوص غالیان زمان امام هادی و امام حسن عسکری (ع) شده است.^۱ این عنوان چنین است: «فِي الْغَلَاةِ فِي وَقْتِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع مِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ حَسَكَةَ وَالْقَاسِمُ بْنُ يَظْطِينَ الْقُمِّيَّانِ» (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۶). عنوانی که در این جا آمده، نشان می‌دهد کشی یا شیخ طوسی در صدد بیان غالیان زمان امام حسن عسکری (ع) هستند، اما تردیدی نیست که این عنوان در این جا می‌بایست «فی الغلاة فی وقت علی بن محمد العسکری ع» باشد. در ادامه مویدات این امر بیان می‌شود.

موید اول: عدم ذکر نام امام حسن عسکری (ع) در روایات این بخش

در روایاتی که ذیل عنوان «فِي الْغَلَاةِ فِي وَقْتِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع» آمده هیچ نامی از امام حسن عسکری (ع) نیست، بلکه - برعکس - در روایات این بخش، تنها نام امام هادی (ع) آمده است. به عنوان نمونه در روایت شماره ۹۹۶ این واژه به کار رفته است: «كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۸) در روایت شماره ۹۹۷ آمده «كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (ع)»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۸) در روایت ۹۹۹ نیز ضمن ذکر غالیانی چون ابن بابای قمی، محمد بن نصیر و فارس بن حاتم آمده «لَعَنَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ (ع)»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۸) در روایت ۱۰۰۳ آمده «كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَغْنِي أَبَا الْحَسَنِ (ع)»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۲) در روایت ۱۰۰۴ آمده «كَتَبَ عُزُؤَةُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (ع)»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۲) در روایت ۱۰۰۶ آمده «أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيَّ (ع) أَمَرَ بِقَتْلِ فَارِسِ بْنِ حَاتِمٍ»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۴) باز در روایت ۱۰۰۶ آمده «أُرْسِلَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ (ع)»، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۴) در روایت ۱۰۰۷ آمده «فِي الْكِتَابِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ» (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۵) در روایت ۱۰۰۸ آمده «فَأَعْلَمَهُ أَنِّي رَسُولُ أَبِي الْحَسَنِ (ع)» (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۶) با توجه به اینکه کنیه

۱. از کسانی که این اشتباه را مرتکب شده‌اند به اسد حیدر و هاشم معروف الحسینی می‌توان اشاره کرد (رک: اسد حیدر، ۱۴۲۲، ج ۱: ص ۲۵۰؛ هاشم معروف الحسینی، ۱۳۸۲، ج ۲: ص ۵۷۱). همین اشتباه را بسیاری دیگر از پژوهش‌گرانی که در خصوص منحرفان زمان امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) دست به قلم شده‌اند مرتکب شده‌اند.

«ابالحسن» مربوط به امام هادی (ع) است، کشی یا شیخ طوسی درصدد معرفی غالیان زمان امام هادی (ع) بوده‌اند نه دوران امام حسن عسکری (ع).

در دیگر روایات این بخش نیز یا تعبیر «کتبت الیه» آمده، و یا تعبیر «کتب الیه» و یا تعابیری دیگر که با توجه به سایر روایات این بخش و دیگر قرائن که در ادامه می‌آید، تردیدی نمی‌ماند که مقصود، امام هادی (ع) است. یکی از محققان با اشاره به روایات همین بخش از رجال کشی، می‌نویسد: «در روایات کشی، بعضاً تصریح به نام امام هادی (ع) شده و در بعضی، اشاره‌ای به نام امام صورت نگرفته و تعبیر چنین است: «کتب الیه» یا «کتبت الیه»؛ که مرجع ضمیر مشخص نیست و تنها با لحاظ روایات مصرّحه به نام حضرت، می‌توان حدس زد که مراد امام هادی (ع) است» (جباری، ۱۳۸۲، ج ۲: ص ۷۰۸).

تنها در یکی از روایات این بخش از کتاب «اختیار معرفة الرجال» تعبیر «کتب الی العسکری» آمده (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۰) که با توجه به اشتراک عنوان «عسکری» برای هر دو امام هادی و حسن عسکری (علیهما السلام) ذکر این عنوان آن هم در جایی که سایر روایاتش از امام هادی (ع) است، دلیل بر این نیست که این نامه از سوی امام حسن عسکری (ع) صادر شده است.

موید دوم: ذکر روایانی از امام هادی (ع) نه امام عسکری (ع)

دقت و بررسی در نام روایان و اینکه فلان راوی، راوی امام هادی یا امام عسکری (علیهما السلام) است، موید این است که سایر روایات این بخش که در آنها نام امام در آنها ذکر نشده، از امام هادی (ع) هستند.

به عنوان نمونه احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی در روایات همین بخش، از کسانی است که با امام مکاتبه داشته است (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۷). اگر عنوان ذکرشده در اختیار معرفة الرجال، درست باشد، می‌بایست وی در شمار کسانی باشد که با امام عسکری (ع) مکاتبه داشته و بهمین جهت از اصحاب امام عسکری (ع) شمرده شود، اما در هیچ یک از منابع رجالی وی از اصحاب و راویان امام عسکری (ع) معرفی نشده است. در رجال طوسی وی از اصحاب امام رضا امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) معرفی شده، (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۳۵۱، ۳۷۳ و ۳۸۳) در رجال نجاشی وی از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) معرفی شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۸۲) و در رجال برقی از اصحاب امام هادی (ع) معرفی شده است (برقی، ۱۳۴۲: ص ۵۹). برخی از محققان - به درستی - وی را نویسنده نامه به امام هادی (ع) - نه امام عسکری (ع) - معرفی کرده اند (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۵۲۵؛ جباری، ۱۳۸۲، ج ۲: ص ۶۹۲؛ عطاردی، ۱۴۱۰: ص ۱۵۲).

همین مطلب درباره ابراهیم بن شیبیه نیز صادق است. وی نیز در رجال کشی ذیل عنوان غلات زمان امام عسکری (ع)، در شمار کسانی که با امام مکاتبه داشته‌اند، یاد شده، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۷) اما جزو یاران امام عسکری (ع) نیست. در رجال طوسی نام وی یک بار جزو اصحاب امام جواد (ع) و بار دیگر جزو اصحاب امام هادی (ع) آمده است (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۳۷۳، ۳۸۴). برقی وی را تنها در شمار اصحاب امام جواد (ع) برشمرده است (برقی، ۱۳۴۲: ص ۵۶). دیگر منابع رجالی نیز به تبعیت از شیخ طوسی وی را از روایان امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) برشمرده‌اند (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱: ص ۲۱۳-۲۱۴؛ مامقانی، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۰؛ تستری، ۱۴۱۰، ج ۱: ص ۲۷؛ تفرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۶۶، شبستری، ۱۴۲۱ الف: ص ۱۹؛ شبستری، ۱۴۲۱ ب: ص ۲۵). در منابع دیگر نیز نام وی تنها در شمار اصحاب امام جواد یا امام هادی (علیهما السلام) و یا هر دو امام آمده است (رک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴: ص ۵۲۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳: ص ۲۷۶ و ج ۵ ص ۴۲۵؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲: ص ۳۳۰؛ عاملی، ۱۴۲۵، ج ۲: ص ۱۴۴). برخی از محققان نیز مخاطب نامه ابراهیم بن شیبیه را امام هادی (ع) معرفی کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۵۲۶؛ جبّاری، ۱۳۸۲، ج ۲: ص ۶۹۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ص ۲۵۳). بنابراین اگر افرادی چون احمد بن محمد بن عیسی و ابراهیم بن شیبیه با امام عسکری (ع) مکاتبه می‌کردند، قطعاً منابع رجالی نام آنان را در زمره اصحاب این امام نیز می‌آوردند چرا که «مکاتبه و داشتن روایت، امر مهمی است که به هنگام ذکر صحابی ائمه (ع) نادیده گرفته نمی‌شود» (قاضی خانی، ۱۴۰۰: ص ۷۳).

موید سوم: ذکر روایات فارس بن حاتم قزوینی

در چند مورد (حداقل در یازده روایت) از روایات این بخش، ذیل همان عنوان «فِي الْغَلَاةِ فِي وَقْتِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع» یکی از غالیانی که از وی نام برده شده، فارس بن حاتم قزوینی است. تردیدی نیست که فارس بن حاتم قزوینی از غالیان زمان هادی (ع) است و حتی در شش روایت از روایات این باب به صراحت از برخورد امام هادی (ع) با وی سخن به میان آمده است. در یکی از این روایات آمده امام هادی (ع) دستور قتل وی را به جنید یکی از یاران خویش صادر کرد و جنید وی را در همان زمان امام هادی (ع) به قتل رساند (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۴). بنابراین این هم شاهد و موید دیگری است که عنوان ابتدایی این بخش، اشتباه است.

در رجال کشی ذیل همان عنوان مذکور، از نامه سهیل بن محمد به امام سخن به میان آمده است. در این روایت سهیل بن محمد به امام در خصوص ابن بابا قمی سوال می‌کند و امام ضمن لعن او، فارس بن حاتم را نیز لعن می‌کند، خواستار برائت از آن دو می‌شود، دوباره آنان را لعن

می‌کند و در پایان می‌فرماید این لعن بر فارس شدیدتر است (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۸). اگر عنوانی که در اختیار معرفه الرجال هست را در نظر بگیریم باید بگوییم این نامه از امام عسکری (ع) است، اما دقت در متن این روایت که امام در آن ابن بابا و فارس بن حاتم را مورد لعن قرار داده و خواستار بیزاری شیعیان از آن دو شده، موید این است که روایت از امام هادی (ع) و قبل از کشته شدن فارس بن حاتم است. محققان نیز صدور این روایت را از امام هادی (ع) دانسته‌اند (خزعلی، ۱۴۲۴، ج ۲: ص ۵۶۶، ج ۳، ص ۱۵۳، ۴۱۰، ۴۱۷؛ جباری، ۱۳۸۲، ج ۲: ص ۶۵۴؛ شبستری، ۱۴۲۱، ج ۳: ص ۹۳). خزعلی در موسوعه امام هادی (ع) ذیل جمله «وقد اشتبه یا سیدی» در پاورقی می‌نویسد: مراد از «سیدی» در این جا به قرینه روایات گذشته، امام هادی (ع) است (خزعلی، ۱۴۲۴، ج ۳: ص ۱۵۳). ایشان در جای دیگری نیز به نقل از کشی، نامه را از امام هادی (ع) دانسته است (خزعلی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۹۳).

موید چهارم: ذکر دیگر غالیان زمان امام هادی (ع)

به جز فارس بن حاتم از دیگر غالیانی که شواهدی بر غلو آنان در زمان امام هادی (ع) هست و شواهدی بر غلو آنان در زمان امام حسن عسکری (ع) نمی‌توان یافت؛ ولی نام آنان ذیل این عنوان به عنوان غلات زمان امام عسکری (ع) آمده، به علی بن حسکه، قاسم بن یقطین و حسین بن علی خواتیمی می‌توان اشاره کرد. یکی از این شواهد نامه‌ای است که احمد بن محمد بن عیسی قمی به امام هادی (ع) نوشته است. در این نامه پس از اشاره به نقل احادیث غالیانه توسط گروهی و انتساب آنها به آن حضرت و پدرانش، آمده است: «علی بن حسکه و قاسم بن یقطین که خود را از موالیان و منسوبین به شما معرفی می‌کنند، معتقدند: آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، (عنکبوت: ۴۵) اشاره به شخصی است که اهل رکوع و سجود نبوده است... امام فرمودند: «این (عقاید و اعمال)، دین ما نیست از آن دوری کنید». (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۷) در روایت دیگری نیز آمده است: به امام هادی (ع) گزارش دادند علی بن حسکه گمان می‌کند: نماز، زکات، حج و روزه معرفت شما و معرفت اشخاصی امثال خودش (ابن حسکه) است و امام هادی (ع) وی را دروغ گو خواند و از وی برائت جست (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۸-۵۱۹). در روایت دیگری محمد بن عیسی می‌گوید: امام هادی (ع) برای من نوشتند: خداوند قاسم یقطینی و ابن حسکه قمی را لعنت کند... (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۸). برخلاف این روایات که اثبات می‌کنند علی بن حسکه و قاسم بن یقطین از غالیان زمان امام هادی (ع) هستند، هیچ روایتی دال بر غلو آنان در زمان امام عسکری (ع) نیست. درباره حسین بن علی خواتیمی نیز باید گفت هر چند در رجال کشی - با توجه به همان عنوان

اشتباه - وی از غالیان زمان امام عسکری (ع) معرفی شده، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۱۹) اما منابع، او را در زمره غالیان زمان امام هادی (ع) که امام رضا (ع) را نیز درک کرده، معرفی کرده‌اند (مامقانی، بی‌تا، ج ۲: ص ۳۱۲؛ تستری، ۱۴۱۰، ج ۳: ص ۴۹۹-۴۹۸ قهپایی، ۱۳۶۴، ج ۲: ص ۱۹۰ نجف، ۱۴۰۷، ج ۱: ص ۲۳۳). حتی برخی از منابع به نقل از کشی وی را در زمره غالیان زمان هادی (ع) دانسته‌اند! (تستری، ۱۴۱۰، ج ۳: ص ۴۹۸؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۳۶۵) از دیگر غالیانی که در رجال کشی نام آنان در زمره غالیان زمان امام عسکری (ع) ذکر شده ولی از غالیان زمان امام هادی (ع) بوده‌اند، عباس بن صدقه، ابو العباس طرنانی (طبرانی) و ابو عبد الله کندی معروف به شاه ریس را باید نام برد. از اینان اطلاع چندانی در منابع ذکر نشده است و برخی از رجالیون و محققان با آگاهی به اشتباه در عنوان رجال کشی، این افراد را از غالیان زمان امام هادی (ع) دانسته‌اند و جالب اینکه مستندشان هم همان رجال کشی است! (مامقانی، بی‌تا، ج ۲: ص ۱۲۶؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۵۰۱ همچنین رک: جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۵۲۶ به نقل از رجال کشی، ص ۵۲۲؛ حاجی زاده، ۱۳۹۶: ص ۲۰۳).

موید پنجم: انتخاب عنوان درست توسط رجالیون

بسیاری از نویسندگان کتاب‌های رجالی، از جمله علامه حلی (م. ۷۲۶ق)، استرآبادی (م. ۱۰۲۸ق)، حائری مازندرانی (م. ۱۲۱۶ق)، مامقانی (م. ۱۳۵۱ق)، شوشتری (۱۴۱۵ق)، و... عنوان یا همان انتخابی کشی یا شیخ طوسی را به این صورت تثبیت کرده‌اند: «فِي الْغَلَاةِ فِي وَفْتِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعُسْكِرِيِّ ع مِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ حَسَكَةَ وَ الْقَاسِمُ بْنُ يَفْطِينِ الْقُمِّيَّانِ». (رک: مامقانی، بی‌تا، ج ۲: ص ۲۷۶؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ص ۳۵۷؛ حائری مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ص ۳۷۳؛ تستری، ۱۴۱۰، ج ۳: ص ۴۹۹ و ج ۵، ص ۳۸۵ و ج ۶، ص ۱۳ و ج ۷، ص ۴۰۵ و ج ۸، ص ۳۶۴) علامه حلی و برخی دیگر از رجالیون در معرفی علی بن حسکه - با استناد به رجال کشی، تصریح دارند که وی در زمره غالیان زمان امام هادی (ع) است (حلی، ۱۴۰۲: ص ۲۳۴؛ حلی، ۱۳۸۱: ص ۲۹۹؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ص ۳۵۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱: ص ۵۶۷؛ حائری مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ص ۳۷۳). امری که نشان می‌دهد عنوان درست در این جا از منظر علامه حلی و دیگر رجالیون همان «فِي الْغَلَاةِ فِي وَفْتِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعُسْكِرِيِّ ع» است. ضمن اینکه در یکی از نسخه‌های چاپی این کتاب ذیل واژه «ابی محمد العسکری ع»، در پاورقی واژه «علی بن محمد العسکری» به عنوان نسخه بدل آمده است (طوسی، ۱۴۰۹: ص ۵۱۶).

بنابراین شکی نیست که عنوان «غلات زمان امام حسن عسکری ع» در رجال کشی نادرست

است و در واقع عنوان می‌بایست «غلات زمان امام هادی(ع)» باشد. غالیانی که در این کتاب و ذیل این عنوان معرفی شده‌اند، همگی از غالیان زمان هادی(ع) هستند، مگر اینکه شاهی یافت شود که نشان دهد، فلان غالی (مثلاً محمد بن نصیر نمیری که جریان غلو از زمان امام هادی(ع) آغاز شده و تا عصر غیبت صغری هم ادامه یافته)، زمان امام حسن عسکری(ع) و یا حتی دوره‌های بعد نیز در زمره غالیان بوده است.

۱. غالیان زمان امام حسن عسکری(ع)

هر چند ثابت شد غالیانی چون علی بن حسکه، قاسم بن یقظین، فارس بن حاتم، حسین بن علی خواتیمی، عباس بن صدقه، ابو العباس طرنانی (طبرانی) و ابو عبد الله کندی از غالیان زمان امام حسن عسکری(ع) نیستند، اما در این دوره غالیان دیگری بوده‌اند که در ادامه معرفی می‌شوند و اگر روایتی از امام عسکری(ع) در مواجهه با آنان باشد، بیان می‌شود.

۱-۱. حسن بن محمد بن بابا

در اینکه حسن بن محمد بن بابا قمی از غالیان زمان امام عسکری(ع) باشد، اظهار نظر قطعی نمی‌توان کرد. کثی او را به همراه محمد بن موسی شریعی^۱ از شاگردان علی بن حسکه قمی دانسته است (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۱). علی بن حسکه که پیشتر از وی یاد شد، از غالیان زمان امام هادی(ع) است که رهبری فکری برخی دیگر از غالیان را در شهر قم بر عهده داشته است (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۱). علی رغم دستور قتل ابن بابا توسط امام هادی(ع) (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۰) وی همچنان در دوره امام عسکری(ع) در قید حیات بوده است چرا که شیخ طوسی در رجالش نام او را هم در میان راویان امام هادی(ع) و هم در میان راویان امام حسن عسکری(ع) آورده و در هر دو مورد به غلو او اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۳۸۶ و ۳۹۹). به این نکته باید توجه شود کسانی که در رجال شیخ طوسی از آنها نام برده شده، اصحاب ائمه(ع) نبوده‌اند بلکه همان گونه که شیخ طوسی در مقدمه این کتاب آورده این افراد از روایان ائمه(ع) هستند (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۱۷). این مطلب بدان جهت بیان شد که کسی اشکال نکند که چگونه است فردی که زمان امام هادی(ع) مورد لعن قرار گرفته، باز نام وی در زمره یاران امام عسکری(ع) نیز آمده است؟ چرا که وی در زمره روایان زمان امام عسکری(ع) نیز بوده و به همین جهت نام وی در زمره روایان هر دو امام آمده است.

۱. اثبات غلو او در زمان امام حسن عسکری(ع) دشوار است. شواهدی هست که انحراف وی در عصر غیبت صغری آشکار شده است (رک: حاجی زاده، ۱۳۹۴: ص ۱۲۸).

جاسم حسین نیز ابن بابا را از غالیان زمان امام حسن عسکری (ع) دانسته است. وی می نویسد: حسن بن محمد بن بابا از پیروان نزدیک محمد بن نصیر بود که گرایش غلات را در زمان امام یازدهم رهبری می کرد و آنگاه مدعی وکالت امام دوازدهم شد (جاسم حسین، ۱۳۸۵: ص ۱۴۷). از امام حسن عسکری (ع) روایتی در خصوص مواجهه با ابن بابای قمی نقل نشده است. روایتی هم که عبیدی (از راویان امام جواد تا امام عسکری (علیه السلام)) (شبستری، ۱۴۲۱ الف: ص ۲۴۲) از امام «عسکری» با عنوان «کتاب الی العسکری» نقل کرده، (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۰) همان گونه که پیشتر بیان شد، از امام هادی (ع) است.

۲-۱. محمد بن نصیر نمیری

محمد بن نصیر نمیری یا فهری از غالیان دوره امام هادی (ع) تا عصر غیبت صغری و از راویان و اصحاب امام حسن عسکری (ع) بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۸؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ص ۴۷۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۸: ص ۱۲۲). هر چند شدت انحراف محمد بن نصیر نمیری در عصر غیبت صغری بوده، اما آغاز عقاید غالیانه وی در زمان امام هادی (ع) بوده است، چرا که امام هادی (ع) نیز وی را مورد لعن قرار داده است (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۰). باورهای غالیانه محمد بن نصیر اعتقاد به نبوت خویش و الوهیت امام هادی (ع)، (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۱۰۰؛ طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۰، ۵۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۸: ص ۱۲۲) تناسخ (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۹؛ طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۱) و اباحی گری بوده است (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۴؛ طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۹ و ۵۲۱). از امام حسن عسکری (ع) روایتی در خصوص مواجهه با محمد بن نصیر بیان نشده؛ اما آن حضرت به منظور مقابله با اباحه گری - به عنوان یکی از انحرافات مهم غالیان - بر پایبندی به شریعت تأکید کرده است. در روایتی امام حسن عسکری (ع)، شیعه واقعی اهل بیت (ع) را کسی دانسته که طبق سیره آنان زندگی کند و در همه اوامر و نواهی مطیع آنان باشد. بر اساس همین حدیث کسی که با اهل بیت (ع) در انجام دستورات الهی مخالفت کند، شیعه نیست. در پایان این حدیث نسبتاً طولانی، باز امام عسکری (ع)، شیعه امام علی (ع) را معتقد به ولایت آن حضرت و اهل عمل صالح و انجام واجبات شمرده است (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹: ص ۳۱۸-۳۲۰).

۳-۱. احمد بن محمد سیاری

احمد بن محمد سیاری نیز از غالیان عصر امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) است (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ص ۴۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۸۰؛ طوسی، ۱۳۲۸: ص ۶۰۶؛ زرکلی، ۱۹۸۰،

ج ۱: ص ۲۰۹؛ خوئی، ۱۴۱۳، ج ۲: ص ۲۹۰). یکی از گمانه‌های غالبانه وی اعتقاد به تناسخ است (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ص ۴۰؛ حلی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۰؛ زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۱: ص ۲۰۹). آغاز انحراف وی از دوره امام جواد(ع) بوده است (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۶۰۶). شیخ طوسی، سیاری را از راویان امام هادی و امام حسن عسکری(علیهما السلام) برشمرده است (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۳۸۴؛ حلی، ۱۳۹۰، ج ۱: ص ۱۳). نجاشی، کشی و برخی دیگر از رجال یون او را از نویسندگان یا بزرگان طاهری در زمان امام حسن عسکری(ع) معرفی کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۸۰؛ طوسی، ۱۳۲۸: ص ۶۰۶؛ حلی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۰). این شخصیت غالی، معتقد به تحریف قرآن بوده و در این باره کتابی با عنوان «التنزیل والتحریف» یا همان «کتاب القراءات» را نوشت (مجلسی، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۱۰۲: ص ۶۵).^۱ در ادوار اخیر اتان کلبرگ و محمدعلی امیرمعزی کتاب سیاری را تصحیح و چاپ کرده‌اند. هر چند از امام عسکری(ع) روایتی در خصوص مواجهه مستقیم با گمانه سیاری بیان نشده، اما اگر بپذیریم که امام عسکری(ع) از کندی^۲ سوالی درباره قرآن پرسیده و از قرآنی که در دست عامه ی مردم بوده، دفاع کرده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ص ۴۲۴) نشان از این است امام حسن عسکری(ع) گمانه تحریف قرآن را قبول نداشته است.

۴-۱. ادريس بن زياد كَفَرْتُوَيَّ

از ادريس بن زياد كَفَرْتُوَيَّ یا كَفَرْتُوَيَّ هم اطلاعات زیادی در منابع نقل نشده است. نجاشی ضمن اشاره به این نکته که وی اصحاب امام صادق(ع) را درک کرده و از آنان روایت نقل کرده، او را فردی ثقة و صاحب کتابی به نام نوادر معرفی کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۱۰۳). وی به جهتی نامشخص، گمانه‌هایی غالبانه در مورد امامان(ع) داشته است. بر اساس روایتی که از خود وی نقل شده، وی سخنان بزرگی در مورد امامان(ع) می‌گفته و به منظور دیدار با امام حسن عسکری(ع) به سامرا رفته و با امام ملاقاتی داشته است. در این که این سخنان چه بوده مشخص نیست، اما گفتار خود وی و نهی امام حسن عسکری(ع) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ص ۴۲۸) نشان می‌دهد وی امامان(ع) از مرحله بندگی فراتر می‌برده و گمانه الوهیت آنان را در سر داشته است. امام حسن عسکری(ع) به منظور رد توهیم غالبانه وی، آیه ۲۶ و ۲۷ سوره انبیاء «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ» را قرائت کرد. امام در حقیقت با استناد به این آیات، به ادريس فهماند که

۱. نسخه دست نویس این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است. رک: (سیاری، بی تا: نسخه دست نویس، به شماره ۲۵۰۷)

۲. ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی(م. ۲۶۰ق.) مشهور به فیلسوف العرب(جاحظ، ۱۴۲۴، ج ۷: ص ۴۸۵؛ ابن ندیم، بی تا: ص ۳۱۵) کتابی در خصوص تناقضات در قرآن تالیف کرده بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ص ۴۳۴).

ما امامان، بندگان خداوند هستیم و از مرحله بندگی نباید ما را فراتر ببرید. ادریس وقتی به گمانه اشتباه خویش پی برد، از این گمانه برگشت (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۲۸).

۱-۵. باورمندان به غلو و تفویض در نیشابور

علاوه بر افراد غالی دوره امام حسن عسکری (ع)، در نیشابور افرادی غالی و مفوضی بوده‌اند. گفته شده ایوب بن ناب؛ وکیل اعزامی امام حسن (ع)، به جهت ارتباطگیری با آنان، مورد بی‌مهری فضل بن شاذان و همفکرانش قرار گرفت، به گونه‌ای که حتی وکالت او (ایوب) نیز از طرف آنان مورد تردید قرار گرفت (طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۴۳). از متن روایت پیداست که راوی، غالیان این منطقه را حتی به اسم می‌شناخته اما خوش نداشته که اسامی آنان را بیان کند.

شیخ طوسی نیز در الغیبه به گروهی از مفوضه و مقصره اشاره دارد که شخصی به نام کامل بن ابراهیم مدنی^۱ را نزد امام حسن عسکری (ع) فرستاده‌اند تا در خصوص عقیده تفویض و تقصیر از حضرت سؤال کند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۶؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ص ۲۶۱). این که در این روایت مفوضه و مقصره در برابر هم قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد مقصود از مفوضه، همان غالیان مفوضی هستند که باورهای غالیانه درباره امامان (ع) مطرح می‌کردند. کامل بن ابراهیم می‌گوید: من پس از ورود به خانه امام عسکری (ع) به آن حضرت سلام کردم و کنار دری که پرده‌ای از آن آویزان بود، نشستم، ناگاه باد گوشه پرده را بالا زد و من پسر بچه‌ای زیبا که تقریباً چهار ساله به نظر می‌آمد، دیدم که فرمود: «ای کامل بن ابراهیم آمده‌ای از پدرم ... از عقاید مفوضه سوال کنی؟ مفوضه در عقیده خود دروغ گفتند. خداوند امور عالم را به ما واگذار نکرده بلکه دل‌های ما ظرف‌هایی برای تعلق مشیت خداوند است. پس هر وقت خدا چیزی را بخواهد ما نیز می‌خواهیم چنانکه خود فرموده: و ما تشاؤون الا ان یشاء الله یعنی: به مراد خود نمی‌رسید، مگر اینکه خداوند بخواهد». کامل می‌گوید سپس پرده پایین آمد و من دیگر امام را ندیدم. در این هنگام امام حسن عسکری (ع) نظری به من نمود و تبسمی کرد و فرمود: ای کامل دیگر برای چه نشسته‌ای؟ شنیدی که امام بعد از من، آنچه می‌خواستی به تو گفت؟ من برخاستم و بیرون آمدم و دیگر آن حضرت (امام زمان ع) را ندیدم» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۶-۲۴۸؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ص ۲۶۲؛ طبری، ۱۴۱۳: ص ۵۰۶).

در این روایت امام عسکری (ع) پاسخ فرزند خویش؛ حضرت حجت (ع) به کامل بن ابراهیم را- که مفوضه را تکذیب کرده بود و گمانه آنان را نادرست شمرده بود- تأیید کرد. با توجه به این نکته که

۱. اطلاعات زیادی از وی در منابع نیست آیت الله خوئی نام او را کافور بن ابراهیم دانسته و بر این اساس اشاره دارد وی در زمان ولادت حضرت مهدی (ع) حضور داشته است (رک: خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ص ۱۰۵ و ۱۰۶).

مفوضه بر این گمانه بودند: «خداوند امر خلق، رزق و تدبیر امور عالم را به ائمه (ع) واگذار کرده و آنان هرگاه که اراده کنند می‌توانند چیزی را بیافرینند»، امام در صدد بوده این گمانه را رد کند. به همین جهت حضرت ضمن رد کلی باور آنان، به نفوذ مشیت و خواست الهی اشاره دارد و تاکید می‌کند که انجام هیچ کاری بدون خواست الهی امکان پذیر نخواهد بود. این امر در حقیقت به این معنا بود که امور عالم به ما تفویض نشده است و انجام خواسته‌های ما هم در طول خواسته خداوند (نه در عرض آن) است و تا خداوند اجازه ندهد، از ما کاری ساخته نیست.

این که در این روایت، تنها مفوضه تکذیب شده‌اند، نه به این معناست که مقصره باور درستی داشته‌اند، چرا که در گفتار پیشوایان دینی همواره گمانه تقصیر نیز مورد نکوهش بوده است (رک: نهج البلاغه، بی‌تا: خطبه ۲، ص ۴۷؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۴۰۱). تکذیب مفوضه می‌تواند موید این امر باشد که امام عسکری و فرزندش امام مهدی (ع) خطر تفویض را از خطر تقصیر به مراتب بیشتر می‌دانستند.

نادرستی باور تفویض درباره ائمه (ع) سبب شده در متن زیارت‌نامه‌ای که برای دو امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) تنظیم شده این باور در دو جا مورد توجه قرار گیرد. در مرتبه اول، ضمن لعن ناصبی‌ها، غالیان و مفوضه به صورت کلی لعن شده‌اند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۶۵۶). در مورد دوم، زایر این دو امام، خداوند را به جهت این که او را از غلات مفوضه قرار نداده است، شکر می‌کند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۶۵۷). توجه این‌گونه به انحراف غالیان مفوضی و لعن و نفرین آنها و دعای زایرین به پیشگاه خداوند مبنی بر این که در زمره آنان قرار نگیرند، نشان دهنده تنفر و بیزاری علمای شیعه از غالیان مفوضی است که طبیعتاً این امر به تبعیت از برخورد امامان (ع) با آنان صورت گرفته است.

۶-۱. بانوی غالی

شواهدی هست که در زمان امام عسکری (ع) غالیان دیگری نیز در گوشه و کنار جامعه بوده‌اند. بر اساس نقلی از ابن شهر آشوب، امام حسن عسکری (ع) در جواب نامه کسی که خواستار دعا برای والدین خویش بود، تنها برای پدرش دعا کرد و از خداوند برای او طلب رحمت کرد، اما برای مادرش به جهت اینکه از غالیان بود، دعا نکرد (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲: ص ۴۲۶). در حقیقت از منظر امام عسکری (ع) کسی که در زمره غالیان قرار داشته باشد، شایسته نیست که مشمول رحمت الهی شود. به طور کلی اگر بخواهیم غلو و غالیان این دوره - که برخی از آنان غلوشان از زمان ائمه قبل آغاز شده - را جریان شناسی کنیم باید از دو طیف کلی غالیان ملحد و غالیان مفوضی یاد کنیم. ابن بابای

قمی و محمد بن نصیر نمیری در طیف غالیان ملحد هستند که هر دو علاوه ادعای باییت، مدعی الوهیت ائمه (ع) و نبوت خویش شده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۸، ۳۹۹، ۵۵۵؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۱۰۰؛ طوسی، ۱۳۲۸: ص ۵۲۰، ۵۲۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۸: ص ۱۲۲).
ادریس بن زیاد کفر توئی نیز بدان جهت که گمانه الوهیت ائمه (ع) را در سر داشته، در همین طیف جای دارد. غالیان مفوضی این دوره نیز، تعدادی در نیشابور و عده‌ای در عراق (سامرا) بوده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۶-۲۴۸؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ص ۲۶۱-۲۶۲؛ طبری، ۱۴۱۳: ص ۵۰۶).



نتیجه‌گیری

یکی از اشتباهاتی که در رجال کشی صورت گرفته و سبب شده برخی از پژوهشگران نیز به اشتباه بیفتند، عنوانی است در معرفی غلات زمان امام حسن عسکری (ع)؛ اما در واقع این عنوان می‌بایست غلات زمان امام هادی (ع) باشد. ذیل این عنوان اشتباه، روایاتی آمده است که هیچ یک مربوط به امام حسن عسکری (ع) نیستند. بر این اساس، غالیانی که در این بخش به عنوان غالیان زمان امام عسکری (ع) معرفی شده‌اند از جمله علی بن حسکه، قاسم بن یقظین، فارس بن حاتم، حسین بن علی خواتیمی، عباس بن صدقه، ابوالعباس طرنانی (طبرانی) و ابوعبدالله کندی، در حقیقت از غالیان زمان امام هادی (ع) هستند نه از غالیان زمان امام حسن عسکری (ع). هر چند غالیانی که از آنان یاد شد، از غالیان زمان امام حسن عسکری (ع) نیستند، اما بر اساس داده‌های منابع متقدم حدیثی و تاریخی، غالیان دیگری اعم از غالیان ملحد و مفوضی در این دوره بوده‌اند که به عنوان خط انحرافی از تشیع راستین، به شمار می‌روند. گزارش‌های تاریخی و منابع روایی نشان می‌دهد غالیان این دوره علاوه بر عراق، در مناطق داخلی ایران همانند قم و خراسان حضور داشتند. چند تن از غالیان این دوره در قم سکونت داشته‌اند و متأثر از غالیانی که پیشتر در این شهر سکونت داشته‌اند، بودند. حسن بن محمد بن بابا قمی، محمد بن نصیر نمیری که غلو آنان از زمان امام هادی (ع) آغاز شده و تا عصر غیبت صغری تداوم یافته از مشهورترین غالیان ملحد این دوره‌اند که با شیادی و فریب کاری در صدد بودند اهداف دنیا طلبانه خویش را به پیش ببرند. به جز اینان خرده غالیانی دیگر نیز در این زمان بوده‌اند که از روی جهالت و کوتاه‌فکری تصوّراتی غالیانه داشته‌اند و غالیان مفوضی نیز در مناطقی چون خراسان و عراق حضور داشتند. موارد مواجهه امام حسن عسکری (ع) با غالیان، بسیار اندک است. کوتاهی دوره امامت آن حضرت، محاصره آن حضرت در سامرا و ارتباط بسیار اندک شیعیان با ایشان و کمی داده‌های تاریخی در خصوص سیره و زندگی آن حضرت، از مهم‌ترین اموری هستند که سبب شده‌اند، روایت‌چندانی در خصوص نوع مواجهه آن حضرت با غالیان در دست نباشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سید رضی، (بی تا). نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم، موسسه دار الهمجره.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار الکتب العربیه.
۴. ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۵ق). الکامل، بیروت، دار صادر.
۵. _____، (۱۳۶۴ش). النهایه فی غریب الحدیث، قم، موسسه اسماعیلیان.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه.
۷. ابن صباغ مالکی، (۱۴۲۲ق). الفصول المهمه، قم، دار الحدیث.
۸. ابن صوفی نسابه، (۱۴۲۲ق). المجدی فی انساب الطالبیین، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۹. ابن غضائری، حسین، (۱۴۲۲ق). رجال ابن غضائری، قم، دار الحدیث.
۱۰. ابن مشهدی، محمد، (۱۴۱۹ق). المزار الکبیر، قم، قیوم.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق). لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۲. ابن ندیم بغدادی، (بی تا)، فهرست، بی جا، بی نا.
۱۳. احمدی کچایی، مجید و روح الله ترابی میبدی، (۱۳۹۳). رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری (ع) در تقابل با جریان های انحرافی تا دوره غیبت، فصلنامه علمی ترویجی پژوهش های مهدوی، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۲۷-۴۸.
۱۴. اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۲۱ق). کشف الغمه، قم، رضی.
۱۵. اردبیلی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق). جامع الروات، بیروت، دار الاضواء.
۱۶. استرآبادی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ق). منهج المقال، قم، آل البيت (ع).
۱۷. اسد حیدر، (۱۴۲۲ق). الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، بیروت، دارالتعارف.
۱۸. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، (۱۳۶۰ش). المقالات و الفرق، بی جا، علمی و فرهنگی.
۱۹. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن، (۱۴۱۵ق). عدة الرجال، قم، اسماعیلیان.
۲۰. امام حسن عسکری، (۱۴۰۹ق). تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، قم، مدرسه الامام المهدی (ع).

۲۱. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۴۲)، الرجال، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. تستری، محمدتقی، (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین.
۲۳. تفرشی، مصطفی بن حسین، (۱۳۷۷). نقد الرجال، قم، آل البيت(ع).
۲۴. تهنوی، محمد علی بن علی، (بی تا). کشف اصطلاحات الفنون، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۲۵. جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۴۲۴ق). الحيوان، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۶. جاسم حسین، (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی غیبت، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر.
۲۷. جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲ش). سازمان وکالت، قم، موسسه امام خمینی(ره).
۲۸. جعفریان، رسول، (۱۳۸۱ش). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه(ع)، قم، انصاریان.
۲۹. جعفری، سید محمدمهدی، (۱۳۸۱ش). دائرة المعارف تشیع، مدخل تشیع، تهران، نشر شهید محبی.
۳۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶). الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۱. حاجی زاده، یدالله، (۱۳۹۴). جریان فکری غلو در عصر غیبت صغری و نقش حضرت حجت(عج) در معرفی غالیان، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال نهم، شماره ۳۶، ص ۱۲۵-۱۴۸.
۳۲. حاجی زاده، یدالله و حسین رحمانی، (۱۳۹۰). تحلیلی بر فرقه‌های عصر امام هادی و امام عسکری(علیهما السلام) و موضع گیری امامان(ع)، شکوه سامرا، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ص ۲۸۷-۳۰۷.
۳۳. حاجی زاده، یدالله، (۱۳۹۶). مواجهه فکری و عملی امام هادی(ع) با جریان فکری غلو، دو فصلنامه علمی - ترویجی سخن تاریخ، سال یازدهم، شماره بیست و ششم، ص ۱۹۳-۲۲۰.
۳۴. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۶ق). منهج المقال، قم، آل البيت(ع).
۳۵. حسنی، هاشم معروف، (۱۳۸۲). زندگانی دوازده امام(ع)، تهران، امیرکبیر.
۳۶. حلی، ابن ادريس، (۱۳۹۰). السرائر، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۳۷. حلی، ابن داوود، (۱۳۸۳ش). رجال ابن داوود، تهران، دانشگاه تهران.
۳۸. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۱). ترتیب خلاصه الاقوال، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۹. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲). رجال العلامة الحلی، قم، الشریف الرضی.
۴۰. خزعلی، ابوالقاسم، (۱۴۲۴ق). موسوعة الامام الهادی(ع)، قم، موسسه ولی العصر(ع).
۴۱. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث، بی جا، بی نا.
۴۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.

۴۳. زییدی، محمد مرتضی، (بی تا). تاج العروس، بیروت، المكتبة الحیة.
۴۴. زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۰، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین.
۴۵. سیاری، احمد بن محمد، (بی تا). کتاب القراءه، بی جا، بی نا، نسخه دست نویس کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، به شماره ۲۵۰۷.
۴۶. شوشتری، محمد تقی، (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین.
۴۷. شبستری، عبدالحسین، (۱۴۲۱ق). سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد(ع)، قم، کتابخانه تخصصی اسلام و ایران.
۴۸. _____، (۱۴۲۱ق). النور الیهادی الی اصحاب الامام الیهادی(ع)، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۴۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۴ق). اعتقادات فی دین الامامیه، بیروت، دارالمفید.
۵۰. _____، (۱۴۰۳ق) الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۵۱. _____، (۱۴۰۴ق) عیون اخبار الرضا(ع)، قم، موسسه اعلمی للمطبوعات.
۵۲. صفری فروشانی، نعمت الله، (۱۳۸۲ش). غلو و غالیان عصر ظهور در آینه منابع، مجله طلوع، ش ۶.
۵۳. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ق). احتجاج، نجف، دار النعمان.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۲۲ق). تاج الموالید، بیروت، دارالقار.
۵۵. _____، (۱۴۱۷ق). اعلام الوری باعلام الیهدی، قم، آل البيت(ع).
۵۶. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷). تاریخ طبری، تهران، اساطیر.
۵۷. طبری، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه، قم، بعثت.
۵۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۴۸ش). اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، مشهد، دانشگاه مشهد.
۶۰. _____، (۱۴۰۹ق). اختیار معرفة الرجال، مشهد، دانشگاه مشهد.
۶۱. _____، (۱۳۹۰). استبصار، تهران، اسلامیه.
۶۲. _____، (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، تهران، اسلامیه.
۶۳. _____، (۱۴۱۵ق) رجال طوسی، قم، جامعه مدرسین.
۶۴. _____، (۱۴۱۱ق). الغیبه، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱.

۶۵. _____، (۱۴۱۷ق). فهرست، بی‌جا، موسسه نشر الفقهیه.
۶۶. عاملی، سید محسن امین، (۱۴۲۵ق). أعيان الشيعة، بیروت، دار التعارف.
۶۷. عطاردی، عزیزالله، (۱۴۱۰ق). مسند الامام الهادی (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی.
۶۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق). العین، قم، دارالهجره.
۶۹. قاضیخانی، حسین، (۱۴۰۰). امام حسن عسکری (ع) در مواجهه با چالش‌های عصر امامت، فصلنامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، سال پانزدهم، شماره ششم، ص ۶۵-۸۱.
۷۰. قرشی، باقر شریف، (۱۳۷۱). تحلیلی از زندگانی امام هادی (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی.
۷۱. قهپایی، عنایة‌الله، (۱۳۶۴ش). مجمع الرجال، قم، اسماعیلیان.
۷۲. کریم زاده، ریحانه و رضیه سادات سجادی، (۱۳۹۴ش). بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین (علیهما السلام) با فرق مذاهب و جریان‌های فکری معاصر آنان، پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، ص ۷۵-۹۷.
۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ش). کافی، تهران، اسلامیه.
۷۴. مامقانی، عبدالله، (بی‌تا). تنقیح المقال فی علم الرجال، بی‌جا، بی‌نا.
۷۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۳، بحارالانوار، تهران، اسلامیه.
۷۶. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۲۶ق). اثبات الوصیه، قم، انصاریان.
۷۷. _____، (بی‌تا). التنبيه و الاشراف، قاهره، دار الصاوی.
۷۸. _____، (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دارالهجره.
۷۹. مشهیدی، محمد، (۱۴۱۹ق). مزار الکبیر، قم، قیوم.
۸۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق). الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید.
۸۱. _____، (۱۴۱۴ق). تصحیح اعتقادات الامامیه، بیروت، دار المفید.
۸۲. موصلی، شرف الدین ابی محمد، (۱۴۲۲ق). مناقب آل محمد، بیروت، موسسه الاعلمی.
۸۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵). رجال النجاشی، قم، جماعة المدرسین.
۸۴. نجف، مهدی، (۱۴۰۷ق). الجامع لرواه اصحاب الامام الرضا (ع)، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع).
۸۵. نوبختی، حسن بن موسی، (۱۴۰۴ق). فرق الشيعة، بیروت، دارالاضواء.
۸۶. نیشابوری، محمد بن فتال، (۱۴۲۳ق). روضه الواعظین، قم، دلیل ما.